

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



## تاریخ و سنت های الهی

### (تحلیلی بر تاریخ و سنت های الهی با استفاده از تفسیر المیزان)

عبداله رضائی فرد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ - مدرس بازنشسته دانشگاه امام حسین (ع)، کرج Abd.rezeif@gmail.com

#### چکیده

سنت الهی به معنی راه و روش حکمت خداوند است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری بوده و در بین بندگان باب کرده است. سنت های الهی قوانینی هستند که هیچ گونه تغییر و تحولی در آنها راه ندارد و براساس اراده الهی و در ارتباط با اعمال اختیاری انسان جاری می شوند. شناخت سنت های الهی بسیار مهم است، به ویژه آن گروه از سنت هایی که در مورد انحرافات اخلاقی انسان جاری هستند، زیرا جریان این گروه از سنت ها در کیفیت زندگی انسان و رسیدن او به سعادت واقعی، تأثیر بسیار زیادی دارند. قرآن به عنوان کتاب خدا و راهنمای واقعی انسان، این سنت ها را بیان کرده، جریان آنها را به گونه ای می داند که یک سنت الهی، ممکن است چند سنت دیگر را به همراه داشته باشد. این مقاله به سبک کتابخانه ای و به روش توصیفی - تحلیلی تهیه شده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاریخ و سنت های الهی در قرآن با محوریت علامه طباطبایی (تفسیر المیزان) می باشد. در این مقاله کوشش شده است. با تحلیل مفهوم جایگاه حاکمیت سنن الهی و چگونگی دعوت به مطالعه و کشف سنت های الهی و معرفی اجمالی انواع سنت های الهی و ویژگی های آن، معرفی گردد. یافته های این مقاله نشان می دهد بر اساس آموزه های قرآن، وقوع رویدادهای تاریخی، تابع سنت هایی ویژه است. همان گونه که دیگر صحنه های جهان هستی نیز به وسیله سنت های ویژه آن ها اداره می شود. این سنت ها حرکت به سوی هدفی معین دارند.

#### واژه های کلیدی

قرآن، سنت های الهی، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، تحلیلی.

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



## Abstract:

Divine tradition means the way and method of God's wisdom, which by its nature is often or constantly current and has spread among its servants. Divine traditions are laws in which there is no change and are based on the divine will and in connection with the voluntary actions of man. It is very important to know the divine traditions, especially the group of traditions that are current about the moral deviations of man, because the flow of this group of traditions has a great impact on the quality of human life and his attainment of true happiness. The Qur'an, as the book of God and the true guide of man, expresses these traditions and considers their flow in such a way that a divine tradition may have several other traditions. This article has been prepared in a library style and in a descriptive-analytical method. The purpose of this research is to study the history and divine traditions in the Qur'an with the focus on Allameh Tabatabai (Tafsir Al-Mizan). In this article an attempt has been made. By analyzing the concept of the status of the rule of divine traditions and how to invite to study and discover the divine traditions and briefly introduce the types of divine traditions and its characteristics, the findings of this article show that according to the teachings of the Qur'an, the occurrence of historical events is a function of special traditions. Just as other scenes in the universe are governed by their own traditions. These traditions move toward a specific goal.

**Keywords:** Quran, Divine Traditions, Allameh Tabatabai, Tafsir Al-Mizan, Analytical.

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱ - پیشگفتار: سخن گفتن از سنت های الهی تنها یادآور گذشته نیست بلکه بیان گر قانونمندی نسبت فعل خدا با گذشته ، حال و آینده بشریت است. سرنوشت ملت ها و حوادث تاریخ به یکدیگر شباهت داشته و از مطالعه در سرگذشت پیشینیان می توان سرنوشت آینده را رقم زد. بازشناسی سنت های الهی در گذشته ، همانند آئینه ای خواهد بود که نتیجه حرکت ما را به سوی آینده نشان خواهد داد . سنت ها، قوانینی هستند که تبدیل و تحویلی در آنها راه نمی یابد. از این رو، قوانین ثابت و لایتغیر بر جان، جامعه و جهان است که با تغییر شرایط و اوضاع، تغییری نمی یابد . و همانند اصول حاکم، باقی و پا برجا است. با نگاهی به آموزه های قرآن، می توان مجموعه ای از این سنت ها و قوانین ثابت را یافت که نقش اساسی و تاثیرگذار در زندگی انسان دارد. بنابراین، شناخت این سنت ها و قوانین الهی به ما کمک می کند تا تفسیری روشن از واقعیت ها و حقایق جهان داشته و در زندگی خویش بر پایه آن، فلسفه و سبک زندگی را ساماندهی کنیم یا به تحلیل و تفسیر امور پردازیم و تبیین روشنی از اوضاع داشته باشیم و توصیه های سازنده ای را ارائه کنیم. با مراجعه به قرآن کریم و توجه به تفسیر میزان علامه طباطبایی ، تحلیلی بر سنت های الهی حاکم بر زندگی انسان را تبیین می گردد. قرآن کریم «سنت» را، هم به خدای متعالی و هم به انسان ها نسبت می دهد. در این کتاب الهی، هم به تعبیری مانند «سنه الله» و «سنتنا» برمی خوریم، و هم به تعبیری مانند «سنه الاولین» (سنت پیشینیان)، سنه من قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا (سنت پیامبران الهی قبل از تو)، و سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَم (سنت های گذشتگان)، این امر نباید موجب این اشتباه و توهم شود که دو نوع سنت وجود دارد. در واقع یک سنت واحد می تواند از لحاظ نسبتش با «فاعل» به خدای متعالی اضافه شود، و از لحاظ نسبتش با «قابل» به انسان ها اضافه گردد. از این گذشته، وقتی که سخن از یک «سنت الهی» می گوئیم، مراد این نیست که فلان فعل خاص مستقیماً بی واسطه از خدای متعالی صادر می شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری، اعم از طبیعی و عادی و فوق طبیعی و غیبی، در کار آمده باشد، و در عین حال، فعل به خدای متعالی منسوب شود. حق تعالی، برای اینکه بینش و گرایش الهی و توحیدی ما را تقویت و تحکیم کند، در قرآن کریم افعال و انفعالات و کنش ها و واکنش های طبیعی و پدیده های مادی را نیز به خود نسبت می دهد. به همین ترتیب، پدیده های انسانی، اعم از فردی و اجتماعی را هم به خود منسوب می کند و بدین سان ما را با توحید افعالی آشناتر می سازد؛ مثلاً سرکوبی و درهم شکستن یک قوم را، اگرچه توسط قوم دیگری صورت پذیرفته باشد، به خود منتسب می سازد، خواه قوم مهاجم و غالب اهل حق و خواه اهل باطل باشند. براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانونمندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت میکنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تاثیر می گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسانها را هم دربر می گیرد. به عبارتی دیگر، خداوند قوانین و برنامه هایی را برای خود معین کرده و قوانینی را برای مردم، که از طریق انبیا اعلام کرده است. به قوانینی که خداوند برای خودش تعیین کرده سنت های الهی می گویند. این سنن الهی در طول تاریخ حاکمیت دارد. که در حین مطالعه ، قوانین و سنت ها را کشف نماید. یک از موضوعات مهم و گسترده این بحث ویژگی و اقسام سنت ها می باشد که خود مجالی دیگر با وسعت بیشتری می طلبد. با کشف و استخراج سنن الهی از قرآن کریم و تبیین نظام حاکم بر آنها، می توان به یک چارچوب شناختی ویژه از عالم خلقت و نظام تدبیر خداوند رسید. در این مقاله در ابتدا به تبیین سنن الهی از دیدگاه قران پرداخته شده است. و بعد نظر علامه را به عنوان تفسیر آیه آورده شده است. این تحقیق با استفاده از تفسیر میزان به سبک کتابخانه ای و به روش توصیفی- تحلیلی تهیه شده است. در این تحقیق از چهار منبع استفاده شده است، از جمله: تراوشات و برداشت های فکری مؤلف از قران، کتاب سنت های تاریخ در قران نوشته شهید محمد باقر صدر که شاکله اصلی از آن می باشد، و اما مبنای نظریه تفسیر میزان علامه طباطبایی است. مطالبی که لازم بوده بررسی و مورد تحلیل قرار بگیرد مانند: اهمیت و ضرورت و حاکمیت سنن الهی که برای کشف آن دعوت به مطالعه شده است. سنت های الهی عوامل و واسطه ها و ابزار خودش را دارد. همچنین دارای اقسام و ویژگی های خاص خود می باشد. و در آخر تاویل سنت ها و قوانین از جانب خدا برای انسانها است.

۲ - معنای لغوی و اصطلاحی سنت و سنت الهی: سنه: السنه هی الطریقه و السیره: سنت همان طریقه و سیره است. (۱) به

معنای طریقه معمول و رایج است، که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد. (۲) سُنَّتِ اللَّهِ: یعنی آن سنتی که خدای تعالی در گذشته در بین بندگانش باب کرده است. (۳) سنه الله: سُنَّةُ اللَّهِ تَعَالَى قَدْ تَقَالُ لَطَرِيقَهُ حِكْمَتِهِ وَ طَرِيقَهُ طَاعَتِهِ - سنت خدای تعالی به راه و روش حکمت او و راه و روش طاعت او اطلاق می شود. (۴) تبدیل: تبدیل سنت خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و به

# اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



جایش عافیت و نعمت بگذارند. **تحول**: تحویل سنت، عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن می باشند، به سوی قومی دیگر برگردانند، و سنت خدا نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل. (۵)

(۱) تفسیر المیزان ج ۹ ص ۷۵ . (۲) ترجمه المیزان ج ۳۲ ص ۲۲۵ . (۳) ترجمه المیزان ج ۳۴ ص ۲۵۱ . (۴) مفردات راغب ص ۲۵۱ . (۵) ترجمه المیزان ج ۳۳ ص ۹۳ .

## ۳- تحلیلی بر سنت های الهی

**۳-۱- اهمیت و ضرورت بحث از سنت الهی**: بنا به نقل علامه طباطبایی و راغب اصفهانی، سنت خدا به را و روش حکمت و اطاعت که در گذشته بین بندگان باب کرده که قابل تحول و تبدیل نیست. پس لازم است در این باره بحث شود. با توجه به این که در آیات قرآن کلمه سنت و سنن مطرح شده، توجه به آموزش و تجربه اندوزی از سنتها امری لازم است. حتی در قرآن دعوت به آشنایی با سنت های الهی را مطرح نموده و سخن از لزوم سیر و سفر در زمین برای آگاهی از عاقبت کفرپیشگان است: **أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ... دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱)** **نظر علامه**: کلمه (دمر) به معنای هلاک کردن است. معنای آیه این است که: ای محمد آنها که به تو کفر می ورزند امثال این عقوبت ها و یا عاقبت ها را دارند. (۲) آیاتی وجود دارد که سفارش به سیر کرده و عاقبت تکذیب کنندگان را برای عبرت خواسته است. بدون کوشش در راه شناسایی بعضی از سنتها و معرفت برخی از اصول حاکمه در تاریخ و اقوام و ملل گذشته، پیمودن راه سعادت و نیکبختی برای ما دشوار می باشد. مطالعه سنتهای الهی و بهره گرفتن و عبرت آموختن از این قوانین «لا یتغیر الهی»، آینده را برای ما روشن می نماید، چرا که سنتهای الهی فرا گیرند (توضیح در قسمت ۸ خواهد آمد) و هر کس مرتکب عملی شود که اقوام گذشته آن را انجام داده اند، قطعاً همان سنتهای معمول در حق گذشتگان گریبان گیر او هم خواهد شد. تاثیر عملکرد اقوام و ملت ها در شکوفایی یا سقوط تمدن ها، عذابهای نازل شده بر اقوام در اثر گناه و فساد و ظلم مطالبی است که از تحقیق در سنتهای الهی برای افراد روشن می شود. از این رو شناخت سنت و ویژگی های سنتهای الهی و تعیین مصادیقی (توضیح در قسمت ۸ خواهد آمد) از آنها می تواند برای افراد طالب سعادت، راه گشا باشد. شاید برخی گمان کنند دانستن سنت های الهی حاکم بر تاریخ ضرورتی ندارد، این سنت ها چه ما بدانیم و چه ندانیم و چه بخواهیم و چه نخواهیم، در تاریخ جریان دارد. آگاهی از قوانین حاکم بر تاریخ و استثنای پذیر بودن آنها موجب می شود انسان توقعات و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کند و در مسیر زندگی به سعادت نایل آید و انرژی و نیرویش تلف نشده و توقع نابخواب و خلاف قانون حاکم بر تاریخ از خدا نداشته باشد.

**۳-۲- حاکمیت سنن الهی بر جهان آفرینش در طول تاریخ**: از نظر قرآن، سنتهای الهی حاکمیت دارند و چیزی نمی تواند حتمیت و قطعیت آن را از میان بردارد یا مانعی بر سر راه تحقق و جریان آن باشد. به همین خاطر سفارش می کند. و یا اینکه کسی نمی تواند مانعی برای حاکمیت سنن الهی ایجاد کند: **وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ (سوره اعراف آیه ۸۶) نظر علامه**: کوتاه سخن، در راه ایمان راهزنانی بودند که با تمام قوا و با هر نوع حيله و تزویر مردم را از راه بر می گردانند. شعيب(ع) هم در مقابل، ایشان را به یاد نعمت های خداوند انداخته توصیه می کند که از تاریخ امم گذشته و سرانجام مفسدین ایشان عبرت گیرند. و اما عاقبت مفسدین، این نیز برای کسانی که چشم بصیرت داشته باشند موعظه و عبرت بزرگی است و خوشبختانه تاریخ به اندازه کافی از احوال امم گذشته ضبط کرده، آری سنت پروردگار بر این جریان یافته که انسان زندگی خود را بر اساس تعقل بنا کند، و اگر غیر این کند و راه فساد و افساد را پیش گیرد، طبع عالم و اسباب جاری در آن با او بنای ضدیت و دشمنی را می گذارد و او هر قدر هم نیرومند باشد در بین دو سنگ آسیای طبیعت له و نابود می شود. (۳) و از سنت های الهی بعثت انبیاء برای دعوت به پرستش که اگر نبوت را تکذیب می کردند، به عاقبت بدی گرفتار می شدند: **فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (سوره نحل آیه ۳۶) نظر علامه**: و اینکه فرمود: (لقد بعثنا) اشاره است به اینکه مساله بعثت رسول، امری است که اختصاص به امتی ندارد، بلکه سنتی است که در تمامی مردم و همه اقوام جریان مییابد، و ملاکش هم احتیاج است، و خدا به حاجت بندگان خود واقف است. و اینکه فرمود (فمنهم من هدی الله) معنایش این

# اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



است که تمامی امتها، مانند این امت، منقسم به دو طایفه بودند، یک طایفه، آنهايي که خدا هدايتشان کرده، و به عبادت او و اجتناب از طاغوت موفق شدند. طایفه دوم از امتها، آنهايي هستند که ضلالت بر آنان ثابت و لازم شده و این آن ضلالتی است که خود انسان به سوء اختيارش درست می کند، نه آن ضلالتی که خدا بعنوان مجازات، آدمی را بدان مبتلا می سازد. از ظاهر سیاق بر می آید که خطاب در کلمه (سیروا: سیر کنید) به کسانی است که شرک ورزیده، دلیل بر این معنی هم آثاری است که از امتهای گذشته و انقضای یافته باقی مانده و از نزول عذاب حکایت می کند، پس در پهنای زمین سیر کنید تا ببینید سرانجام تکذیب کنندگان چه بوده است. (۴)

جهان آفرینش که بر پایه نظام احسن شکل گرفته، بر سنتها و قانونمندیهای ثابت و تغییر ناپذیر استوار است. این قانونمندیها بر کلیه فعل و انفعالها و تغییر و تحوّلهایی که در جهان طبیعت رخ می دهد، اعم از تغییرات و فرایندهای شیمیایی، فیزیکی، زیست محیطی، نجومی و... حاکم بوده و هیچ رویداد طبیعی خارج از چارچوب آنها واقع نمی شود. از همین روست که بشر در پی این برآمده که با ایجاد شاخه های مختلف علوم طبیعی، قانونمندیها و نظامهای حاکم بر جهان طبیعت را کشف کند، تا با شناخت این

(۱) سوره محمد آیه ۱۰. (۲) ترجمه المیزان ج ۳۶ ص ۵۴. (۳) ترجمه المیزان ج ۱۵ ص ۲۶۱. (۴) ترجمه المیزان ج ۲۴ ص ۹۵.

قانونمندیها و نظامها بتواند کلیه تغییر و تحولات عالم ماده را در اختیار خود گیرد و وقوع برخی از آنها را پیش بینی، یا از وقوع برخی از آنها جلوگیری و یا وقوع برخی از آنها را تسریع کند و در یک کلمه آنها را در جهت منافع خود مهار نماید. همچنان که تغییر و تحولات عالم طبیعت بر اساس قانونمندیهای ثابت و تغییر ناپذیر صورت می گیرد، تغییر و تحولات اجتماعی نیز قانونمندیهای خاص خود دارد و کلیه فراز و فرودهایی که در جوامع بشری رخ می دهد بر اساس همین قانونمندیهاست. قرآن کریم از قانونمندیهای حاکم بر تغییرات اجتماعی، به عنوان "سنت خدا" تعبیر کرده و در موارد متعددی ضمن تأکید بر تغییر ناپذیری (لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) سنتهای الهی به برخی از این سنتها اشاره کرده است.

۳- ۲- ۱- حاکمیت برخی از سنتها بر برخی دیگر: سنتهای الهی از جهت دایره شمول و جریان آن در واقعیت خارجی همگی در یک سطح نیستند، بلکه برخی عام تر از بعضی دیگر بوده و گاه حاکم بر آن است. رحمت الهی که حاکم بر همه سنتها است در قرآن کریم به این معنا اشاره می کند. وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكُنَّاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا. (سوره کهف آیه ۵۹، ۵۸) **نظر علامه:** اصل عذاب را به اعمال ناروای مردم و به انتقام الهی داده و مساله مهلت در عذاب را به صفت مغفرت و رحمت خدا داده است، اینجا است که مغفرت الهی اثر آن اعمال را که عبارت است از فوریت عذاب برمی دارد - و محو می کند و صفت رحمت حیاتی و دنیایی را به آنها اضافه می فرماید. (۱)

۳- ۲- ۲- سیطره سنتهای تاریخ بر همه انسانها، اعم از مؤمن و غیرمؤمن: سنتهای تاریخ برای همه افراد وجود دارد. سنت پیروزی و شکست شامل مؤمن و غیر مؤمن می شود که در قرآن به آن اشاره شده است: **إِذْ وَتِلْكَ الْآيَاتُ نُنَادُوا بِبَيْنِ النَّاسِ** (سوره آل عمران آیه ۱۴۰)

**نظر علامه:** معنای آیه شریفه این است که: سنت الهیه بر این جاری شده است که روزگار را در بین مردم دست به دست بگرداند، بدون اینکه برای همیشه به کام یک قوم چرخانده شود قومی دیگر را از آن محروم سازد، و این سنت به خاطر مصالحی است عمومی که فهم شما انسانها جز به برخی از آن مصالح احاطه نمی یابد، و نمی تواند همه آن مصالح را درک کند. معنای (لیعلم... ) این است که خدا خواسته ایمان مؤمنین ظاهر شود، و چون ظاهر شدن ایمان مانند هر چیز دیگر باید بر طبق سنت جاریه در اسباب و مسببات صورت بگیرد، لذا چاره ای نیست جز اینکه امور و صحنه های را به وجود بیاورد، تا ایمان مؤمنین که قبل از وقوع آن صحنه ها مخف و در باطنشان پنهان بود، ظاهر شود. (۲)

۳- ۲- ۳- اصل سنت مندی تاریخ در قرآن: در قرآن به گونه های مختلف به سنت مندی تاریخ اشاره شده است. یکی از آیاتی که اصل جریان سنتهای تاریخ را در میان امتهای گذشته بیان می کند، این آیه است پیش از شما سنتهایی بوده است. پس در روی

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان دین و پیامبر خدا چگونه بوده است. وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبْرًا (سوره انعام آیه ۳۴)

**نظر علامه:** رسول گرامی خود را به راهی که انبیای گذشته پیمودند، هدایت می کند، و آن راه عبارت است از صبر در راه پروردگار است. (۳) از این روی، رابطه بین ایمان، صبر و استقامت در راه دعوت الهی و نصرت و پیروی الهی با استفاده از اصل سنت تاریخ در قرآن اثبات می شود. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. (سوره فتح آیه ۲۲) **نظر علامه:** ایمان سنتی است قدیمی از خدای سبحان که انبیاء و مؤمنین به انبیاء را در صورتی که در ایمان خود صادق و در نیاتشان خالص باشند بر دشمنانشان غلبه می دهد، و تو هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت. (۴) سنت خدا برای همه مردم و پیامبران یکسان است: مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ... لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ... وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا. (سوره احزاب آیه ۳۸) **نظر علامه:** سنت در این آیه مربوط به انبیاء و رسولان قبل از پیغمبر اسلام است. همان گذشتگانی که رسالتهای خدا را ابلاغ می کردند. امر خداوند برای همه مردم حتی پیامبران هم یکسان است. (۱)

**۳-۳ - دعوت به مطالعه سنن الهی:** قرآن کریم همه مردم را به مطالعه سنتها و قوانین الهی که بر امت‌های پیشین جاری شده فراخوانده و از آنها خواسته است که برای بررسی آنچه برگزشتگان رفته است نسبت به سرانجام رفتار خود بیندیشند و از سرنوشت تکذیب کنندگان عبرت گیرند.

- (۱) ترجمه المیزان ج ۲۶ ص ۲۱۲. (۲) ترجمه المیزان ج ۷ ص ۴۵. (۳) ترجمه المیزان ج ۱۳ ص ۹۷. (۴) ترجمه المیزان ج ۳۶ ص ۱۴۱. (۵) ترجمه المیزان ج ۳۲ ص ۱۹۸.

بنابراین انسان باید همان‌طور که قوانین حاکم بر جهان طبیعت را مورد مطالعه قرار می‌دهد تا به رمز و راز تغییر و تحولات آن پی‌برد و از آن در جهت منافع دنیوی خود استفاده کند، قوانین حاکم بر جوامع انسانی را نیز مورد مطالعه قرار دهد تا علل و عوامل تغییرات اجتماعی را بشناسد و از آن‌ها در مسیر سعادت اخروی خود بهره‌برداری کند. از آیات متعددی از قرآن استفاده می‌شود که اقبال و ادبار خداوند به هر قومی تابعی از روحيات، اعمال و رفتار آن‌هاست و بقا و زوال نعمت‌های الهی برای هر ملتی وابسته به عمل کرد آن ملت است. برخی از آیاتی که انسان‌ها را دعوت به مطالعه شناخت سرنوشت امت‌های پیشین و چگونگی جریان سنت‌های الهی در میان آنها نموده‌اند. در این آیه خداوند همه را به سیر در زمین به منظور آگاهی از سرانجام تکذیب کنندگان فراخوانده: قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ. (سوره آل عمران آیه ۱۳۷) **نظر علامه:** این که امر فرموده در زمین سیر کنند برای این است که از سرگذشت امت‌های گذشته عبرت بگیرند. و اما اینکه بیائیم آثار باستانی آنان را و مجسمه‌هایشان را حفظ کنیم، و در کشف از عظمت و مجد آنان مخارج گزاف و زحمات طاقت فرسائی را تحمل نمائیم، از اموری است که قرآن کریم هیچ اعتنائی به آن ندارد، چون این خود یکی از مصادیق بت پرستی است، که در هر دوره‌ای به شکلی و در لباسی خودنمایی می‌کند. (۱)

**ایراد المیزان:** قرآن به خیلی از موضوعات اعتنائی ندارد ولی از قول معصومین یا خود مردم اجرا می‌شود. مانند: امامت بعد از نبوت که هیچ اشاره صریحی ندارد اما در قول و فعل معصومین و مردم وجود دارد. در باره بلاد کبیره قرآن اعتنائی ندارند اما در فقه بحث مفصلی در بر دارد. یا نجس بودن سگ، نجس بودن کافر... قرآن هیچ اعتنائی به آن ندارد. اما در کل کمتر کسی توجه به آثار باستانی و مجسمه‌هایشان را پرستش می‌کنند. در حال حاضر هم که این همه مجسمه در موزه‌ها و میادین شهر وجود دارد و کسی قصد پرستش آنها را ندارد. دعوت به مطالعه آسمان و زمین و هر چه در آنهاست: أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ. (سوره اعراف آیه ۱۸۵) **نظر علامه:** غرض از این آیه توبیخ آنان در اعراض و انصراف از وجه ملکوتی اشیاء است که چرا فراموش کردند و در آن

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



نظر نینداختند تا برایشان روشن شود که آنچه را که رسول خدا (ص) بسوی آن دعوتشان می کند حق است . منظور تز نظر کردن این است که شاید اجل هایشان نزدیک شده باشد، زیرا نظر کردن در همین احتمال چه بسا ایشان را از ادامه و پافشاری بر ضلالت برگرداند . (۲) بررسی عاقبت کفار و عدم دعوت انبیاء: أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ... مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ... (سوره روم آیه ۹) **نظر علامه**: بسیاری از مردم به معاد کافرند، و چون با کفر به معاد، دین حق لغو می شود، لذا دنباله آن سرگذشت امتهای کافر گذشته را خاطرنشان ساخت ، باشد که از شنیدن آن عبرت گرفته و از کفر دست بردارند، خدا به ایشان ستم نکرد، بلکه خودشان با کفر و معصیت به خود ستم کردند. (۳)

۳-۴ - **کشف قوانین و سنت های الهی**: برای کشف سنت های الهی در جامعه از قران کریم شیوه های مختلفی وجود دارد . این شیوه ها با تأمل در نوع تعبیری که در قران به کار رفته است ، به دست می آید .

۳-۴-۱ - قران و ترغیب به کشف قوانین تاریخ: در بررسی قران مجید به آیاتی بر خورد می کنیم که مسأله کاوش و مطالعه و اندیشیدن در باره حوادث و رویدادهای تاریخی را به منظور تحصیل یک نظریه مبتنی بر کشف قوانین و سنن ، مورد تأکید و ترغیب قرار می دهد . و أُولَئِكَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ . (سوره یوسف آیه ۱۱۰ و ۱۰۹) **نظر علامه**: دعوت پیامبر ناشی از رسالت الهی است ، بلکه سنت الهی بوده که همواره در دعوت های دینیش جریان داشته است ، همینطور که رسول خدا (ص) مامور شده و دارد دعوت می کند، برای قوم او هم مؤ نه زیادی ندارد تا بگفته های او ایمان پیدا کنند، مؤ نه اش همین است که در روی زمین سیر و تفکر کنند، تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از ایشان می زیسته اند به کجا کشید که اگر چنین سیری را شروع کنند خواهند دید که بلاد ایشان بصورت مخروبه ها درآمده است ، و آن آثار بخوبی و با زبان بی زبانی از سرانجام کار آن اقوام خبر داده ، اثر کفر و لجاجت و تکذیب آیات خدا را نشان می دهد. این رسولان که گفتیم مردانی بودند مانند تو از اهل قریه ها، که بکلی نابود شده اند ، این رسولان ، قوم خود را همچنان دعوت می کردند، و مردم ، هم ، همچنان لجاجت نموده آنان به عذاب خدا اندازشان کرده و اینان نمی پذیرفتند، تا آنکه رسولان از ایمان آوردن قوم خود مأیوس شدند (و یا نزدیک بود ماءیوس شوند) و مردم گمان کردند آن کس که به پیغمبرشان گفته عذابی چنین و چنان دارند دروغشان گفته ، در این موقع بود که یاری ما انبیاء را دریافت ، پس هر که را خواستیم نجات دادیم ، و آنها همان مؤ منین بودند، و بأس ما یعنی عذاب سخت ما از قوم مجرم درنگذشت و همه را فرا گرفت . (۴)

(۱) ترجمه المیزان ج ۷ ص ۳۴ . (۲) ترجمه المیزان ج ۱۶ ص ۲۵۹ . (۳) ترجمه المیزان ج ۳۱ ص ۲۵۴ . (۴) ترجمه المیزان ج ۲۲ ص ۱۵۱ .

۳-۴-۲ - راه های کشف سنت ها

۳-۴-۱ - کشف سنت ها از راه الفاظ خاصی مثل سنت (کشف از طریق موضوعات): آیاتی که با بکار گیری واژ سنت استفاده می کند . سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا . (سوره فتح آیه ۲۳) **نظر علامه**: آنچه صدمه و شکست که مسلمانان در جنگهای خود دیدند به خاطر پاره ای مخالفت ها بوده که با خدا و رسولش مرتکب شدند . (۱) اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ . (سوره فاطر آیه ۴۲) **نظر علامه**: و چون مکر سیی ء می کنند، و مکر سیی ء جز به صاحبش بر نمی گردد، پس مکاران ، جز سنت جاری در امم گذشته که همان عذاب الهی نازل بر مکاران است ، که اثر مکر و تکذیبشان به آیات خدا بود، انتظار دیگری را نمی کشند. (۲)

۳-۴-۲ - کشف سنت ها از طریق احکام عام ( از طریق محمولات ): احکامی از قبیل: أَجَل ، هلاکت ، برکت ، تغییر و امثال آن را به صورت عام و بدون انحصار به قومی خاص ، قریه ، جوامع نسبت می دهد. وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . (سوره اعراف آیه ۹۶) **نظر علامه**: برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت ، آسایش ، سلامتی ، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می گیرد . اینکه افتتاح ابواب برکت ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت ها است ، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت ، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



می کند. اینکه عذابی که بر جمعیت ها نازل می شده به عنوان مجازات بوده، که اینگونه عذاب ها در حقیقت اعمال خود مردم است که به آنان بر می گردد. (۳) وگاه از طریق احکام غیر شرطی وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً... يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا... (سوره نحل آیه ۱۱۲) **نظر علامه**: معنای آیه این است که خدای متعال مثلی زده است، و آن مثل قریه ای است که اهلش از هر شری که جان و عرض و مالشان را تهدید کند در امنیت بودند، و برای روزی، حاجت به پیمودن کوه و دشتی نداشتند، رزق پاک و بسیاری از هر سو بطرف ایشان سرازیر بود، اهل این قریه به این نعمتهای الهی کفران کردند، و شکر آن را بجا نیاوردند، خدا هم به اندکی از نعمت و عذاب خود گرفتارشان کرد، و آن نعمت اندک، گرسنگی و ترس بود که چون لباس بر آنان احاطه کرد، و این در قبال کفرانی بود که بطور استمرار به نعمتهای خدا می ورزیدند. سپس در آخر، آیه را با جمله (بما كانوا يصنعون) ختم فرمود، تا دلالت کند بر اینکه سنتی که خدا در مجازات شکر و کفر دارد همچنان پای بر جا و مجری است. (۴)

۳-۴-۳ - کشف از طریق مصداق خاص: آیات فراوانی با بیان حوادث و سرگذشت امت های پیشین، ما را به تأمل و عبرت از آنها دعوت می کند. وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا... (سوره قصص آیه ۵۹ و ۵۸) **نظر علامه**: معنای جمله این است که: چه بسا قریه ها که در معیشت خود طغیان کردند، و ما هلاکشان کردیم. یعنی مساکن آنان که خراب و ویران شد. کلمه (ام القری) به معنای مرکز دهات، و آن شهرستانی است که همه دهات بدانجا مراجعه می کنند، و در آیه شریفه سنت الهی در عذاب قرا، و انقراض اهل آنها بیان شده، و آن این است که: عذاب استیصال و انقراض هیچ وقت از خدای تعالی صادر نشده مگر بعد از آنکه حجت را بر آنان تمام کرده باشد، یعنی رسولی به سویشان فرستاده باشد، تا آیات خدا را بر آنان بخواند، و بعد از آنکه ایشان آن رسول را تکذیب کرده، و به آیات خدا کفر ورزیده باشند. و در اینکه بعد از آیه قبلی این آیه را ذکر کرد، که سنت الهی را در هلاک ساختن قریه بیان می کند، خود تهدیدی است به اهل مکه که مشرک بودند، و اشاره است به اینکه اگر آنان نیز بر کفر خود پافشاری کنند، در معرض نزول عذاب قرار خواهند گرفت، برای اینکه خدای تعالی برای ام القری که همان مکه است رسولی فرستاد، تا آیات وی را بر مردم آنجا بخواند، ولی آن مردم هنوز ظالمند و رسول خود را تکذیب می کنند. (۵)

## ۳-۵ - هماهنگی سنت های تکوینی و تشریحی

۳-۵-۱ - سنت های تکوینی خداوند در جوامع انسانی هماهنگ با سنت تشریحی اوست. دستور اطاعت از خدا و رسول در شریعت، هماهنگ با

(۱) ترجمه المیزان ج ۳۶ ص ۱۴۱. (۲) ترجمه المیزان ج ۳۳ ص ۹۲. (۳) ترجمه المیزان ج ۱۶ ص ۲۰.

(۴) ترجمه المیزان ج ۲۴ ص ۲۹۸. (۵) ترجمه المیزان ج ۳۱ ص ۹۵.

متن تکوین است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ. (سوره انفال آیه ۲۴) **نظر علامه**: بعد از آنکه در جمله (اطيعوا الله و الرسول) مؤمنین را به اطاعت دعوت حقه و اینکه از آن اعراض نکنند دعوت فرمود اینک برای دومین بار آن را تاکید نموده و مؤمنین را به استجاب خدا و رسولش در پذیرفتن دعوت پیغمبر سفارش می کند، و این تاکید را بوسیله بیان حقیقت امر و آن رکن واقعی که تکیه گاه این دعوت است انجام داده و می فرماید حقیقت امر و رکن واقعی این دعوت چیزی است که انسان را از پرتگاه فنا و هلاکت رهایی داده و زنده اش می کند. و از آنجایی که این هدایت الهی که نوع انسانی را به سوی سعادت و خیر و به سوی منافع وجودش دلالت می کند هدایتی است تکوینی و از مشخصات نحوه خلقت اوست، و مجال است که نظام آفرینش در یک مورد دچار خطا و اشتباه شود لا جرم باید بطور قطع گفت که انسان سعادت وجود خود را بطور قطع درک می کند، و در این درکش دچار تردید نمی شود، همچنانکه سایر انواع مخلوقات بدون اینکه دچار سهو و اشتباه شوند به فطرت خود راهی را که منتهی به سعادت و منفعت و خیرشان می شود می پیمایند، و اگر در جائی دچار خبط می شوند بخاطر تاثیر عوامل و اسباب نامناسب دیگری است که موجودی را از مسیر خیرات و منافعش منحرف ساخته به سوی ضرر و شرش سوقش می دهد. و این معنا همان معنائی است که در قرآن کریم روی آن پافشاری نموده و می فرماید راه سعادت و علم و عملی که منتهی به آن می شود بر هیچ انسانی پوشیده و مخفی نیست، و هر انسانی به فطرت خود می فهمد که چه معارفی را باید معتقد باشد و چه کارهایی را باید بکند، از اینجا نتیجه می گیریم که اگر انسان از راه راستی که



# اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



فطرتش او را به آن دعوت نموده و هدایت الهی به سوی آن سوقش می دهد منحرف شود قطعاً لوازم سعادت زندگی را از دست داده است. (۱)

۳- ۵- ۲- رابطه رسالت آسمانی با سنت های تاریخی: اکنون این پرسش مطرح می شود که چه رابطه ای بین رسالت آسمانی و سنت های تاریخی وجود دارد؟ آیا رسالت آسمانی مانند اصحاب و مجریان دین محکوم سنت های تاریخی بوده و گاه مقهور مخالفان می شوند و شکست می خورند یا همواره غالب و پیروز هستند؟ قرآن مجید آنجا که می خواهد سخن از شکست مسلمانان در جنگ احد به میان آورد شکستی که پس از کسب آن پیروزی بزرگ و قاطع در جنگ بدر گرفتارش شدند این خسارت و شکست را چگونه مطرح می کند؟ آیا می گوید که رسالت آسمانی پس از پیروزی و موفقیت در جنگ بدر، دچار شکست و ناکامی در جنگ احد شد؟ خیر؛ زیرا رسالت آسمانی فراتر و برتر از مقیاس ها و معیارهای شکست و پیروزی به مفهوم مادی این واژه است. رسالت آسمانی شکست نمی خورد و هرگز نخواهد خورد؛ آنکه شکست می خورد و گرفتار خسران و هزیمت می شود، انسان است، حتی اگر این انسان مجسم کننده رسالت آسمانی باشد؛ چرا که این انسان تحت حکومت و سیطره سنت ها و قوانین تاریخ است. لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا. (سوره آل عمران آیه ۱۴۰) نظر علامه: معنای (لیعلم الله) این است که خدا خواسته ایمان مؤمنین ظاهر شود، و چون ظاهر شدن ایمان مانند هر چیز دیگر باید بر طبق سنت جاریه در اسباب و مسببات صورت بگیرد، لذا چاره ای نیست جز اینکه امور و صحنه هائی را به وجود بیاورد، تا ایمان مؤمنین که قبل از وقوع آن صحنه ها مخفی و در باطنشان پنهان بود ظاهر شود. (۲)

۳- ۶- عوامل و واسطه ها در سنت های الهی: اگر چه قرآن کریم لفظ سنت را در مورد نزول عذاب بر اقوام و جوامع باطل گرا، کافر، مشرک، ظالم، فاسق و فاجر به کار می گیرد، ولی از آنجا که هیچ یک از افعال خدا را عبث و گزاف و بی حساب نمی دانیم، بلکه همه را بر اساس ضوابطی که از صفت حکمت او سرچشمه می گیرد می دانیم، می توانیم اصطلاح «سنت الهی» را به معنای عام تر بگیریم و آن را بر ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد یا روش هایی که خداوند امور عالم و آدم را بر پایه آن ها تدبیر و اداره می کند، اطلاق کنیم. وقتی سخن از یک «سنت الهی» می گوئیم مراد این نیست که فلان فعل خاص مستقیماً و بی واسطه از خدای متعال صادر می شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل بسیاری، اعم از طبیعی و عادی و فوق طبیعی و غیبی در کار آمده باشد و در عین حال فعل به خدای متعال منسوب شود. خدای متعال برای این که بینش و گرایش الهی و توحیدی ما را تقویت کند، افعال، کنش ها و واکنش های طبیعی و پدیده های مادی را نیز به خود نسبت می دهد. به همین ترتیب پدیده های انسانی، اعم از فردی و اجتماعی را نیز به خود منسوب می کند و بدین سان ما را با توحید افعالی آشنا تر می سازد؛ مثلاً سرکوبی و در هم شکستن یک قوم را اگر چه به دست قوم دیگری صورت گرفته باشد به خود منتسب می سازد، خواه قوم مهاجم و غالب، اهل حق باشد و خواه اهل باطل. بر اساس این دیدگاه است که ما قوانین اجتماعی را سنت های الهی در تدبیر جوامع بشری می نامیم.

(۱) ترجمه المیزان ج ۱۷ ص ۶۸. (۳) ترجمه المیزان ج ۷ ص ۴۵.

۳- ۶- ۱- فسق و ظلم و تبه کاری: وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا ... مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ. (سوره اسراء آیه ۱۶ و ۱۷)

**نظر علامه:** مقصود از اراده هلاک قریه این است که وقتی زمان هلاک کردن قومی نزدیک شد چنین و چنان می کنیم، و این تعبیر به معنای نزدیک شدن وقت عمل است. پس قوم هر پیغمبری اگر مخالفت کنند و از امر پروردگارش فسق بورزند، قول عذاب برایشان محقق می شود، یعنی مبتلا به عذاب و هلاکت می گردند. این آیه خالی از اشعار به این معنا نیست که سنت هلاک ساختن از زمان نوح در میان قرون بشری شروع شده است. می خواهد، بفهماند که هلاک ساختن اهل قریه ها و دیارها یکی از سنت جاریه خداوندی است. (۱)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۳- ۶- ۲- دروغ شمردن آیات: وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَّاسْتَذِرْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ. (سوره اعراف آیه ۱۸۲) **نظر علامه:** معنی و مفهوم استدراج: زیاده روی در معصیت پیوسته بسوی هلاکت نزدیک می شوند، پس می توان گفت استدراج تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگری است تا بدین وسیله التذاد به آن نعمت ها ایشان را از توجه به وبال کارهایشان غافل بسازد. (۲)

۳- ۶- ۳- ستمکاری: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (سوره انفال آیه ۲۵) **نظر علامه:** در فتنه های واقع شده در صدر اسلام وحدت دینی اسلام را منهدم نموده و با ایجاد تفرقه قدرت و شوکت اسلام را در هم شکست ، و خونهایی به ناحق ریخت و باعث اسارت و غارت و هتک نوامیس و حرمتها گردید و کتاب و سنت متروک شد، و از جمله مفاسد شوم این فتنه این است که امت اسلام حتی بعد از آنکه به اشتباهات و اعمال زشت خود تنبه پیدا کند نمی تواند از آن عذاب دردناکی که این فتنه به بار آورده خود را نجات دهد. این آیه شریفه تمامی مؤمنین را از فتنه ای که بعضی از ایشان بپا می کنند زنهار می دهد، و این نیست مگر برای اینکه آثار سوئش دامنگیر همه می شود. (۳)

۳- ۶- ۴- تغییر نفس: ذَلِكِ بَانَ اللَّهُ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. (سوره انفال آیه ۵۳) **نظر علامه:** هیچ نعمتی از نعمتهای الهی به نعمت و عذاب مبدل نمی شود مگر بعد از تبدل محلش که همان نفوس انسانی است ، پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته وقتی به آن قوم افاضه می شود که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کنند و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به نعمت و عقاب می شود که استعداد درونیشان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. مشرکین قریش را به گناهانشان گرفتن و ایشان را به این عقاب شدید معاقب کردن که این فرعی است از فروع سنت جاری الهی ، و آن سنت این است که خداوند نعمتی را که به قومی بدهد تغییرش نمی دهد مگر آنکه آن قوم آنچه را که در نفوس دارند تغییر دهند. مشرکین را به کیفر گناهانشان گرفتن برای این بود که خدا دعاهای شما را می شنید، و به حوائج شما دانا و به استغاثه شما شنوا است ، لذا دعای شما را مستجاب نمود و دشمنان شما را که به آیات خدا کفر می ورزیدند عذاب کرد. احتمال هم دارد که منظور از آن این باشد که این عذاب برای این بود که خدا گفتار مشرکین را می شنید و به کردار ایشان دانا بود، لذا به کیفر آن عذابشان کرد. ممکن هم هست که هر دو احتمال مقصود باشد. (۴)

۳- ۶- ۵- شرک و تکذیب کنندگان: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلِيهَا (سوره فاطر آیه ۱۸) **نظر علامه:** گویا بعد از آنکه فرمود: (اگر بخواهد شما را می برد، و مردمی دیگر می آورد) و با این جمله مشرکین را تهدید به هلاکت و فنا کرد، پس تنها تکذیب کنندگان در تهدید آیه ، مورد نظر هستند. (۵)

۳- ۶- ۶- نفاق و گمراهی: أ تَرِيدُونَ أَنْ تَهْتُوا مِنْ أَضَلِّ اللَّهِ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا. (سوره نساء آیه ۸۸) **نظر علامه:** سنت خدا

(۱) ترجمه المیزان ج ۲۵ ص ۱۰۶ تا ۱۱۲. (۲) ترجمه المیزان ج ۱۶ ص ۲۶۵ و ۲۵۶. (۳) ترجمه المیزان ج ۱۷ ص ۸۰.

(۴) ترجمه المیزان ج ۱۷ ص ۱۵۸.

(۵) ترجمه المیزان ج ۳۳ ص ۵۶.

در باره منافقینی که گمراه شده اند حتی به شفاعت مؤمنین هم توجه نمی کند و خداوند آنها را سرزنش هم می کند. به همین خاطر خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نمی دهد بلکه با پیامبر سخن می گوید و گمراهی منافقین مستند به خدا است و با شفاعت و دلسوزی هدایت نمی شوند. (۱)

۳- ۶- ۷- نیرنگ: قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ ... وَإِنَّا لَصَادِقُونَ \* وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا ... أَنَا دَعَرْنَاَهُمْ (سوره نمل آیه ۵۳- ۴۹) **نظر علامه:** و معنای آیه این است که: آن جمعیتی که فساد می کردند به خدا سوگند خوردند و گفتند: ما شبانه او و اهل او را می کشیم ، آنگاه

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



صاحب خون آنان را اگر به خونخواهی برخاست و ما را تعقیب کرد، می گوییم که ما حاضر و ناظر در هلاکت اهل او نبوده ایم و ما راست می گوییم ، و معلوم است که اگر شاهد و ناظر هلاکت اهل او نباشند، شاهد هلاکت خود او هم نیستند، حالا یا به ملازمه و یا به قول بعضی به اولویت. اما (مکر قوم صالح ) این بود که بر قصد سوء و کشتن صالح و اهل او توطی و اتفاق کنند و سوگند بخورند و اما مکر خدای تعالی این بود که هلاکت همه آنان را تقدیر کند. کلمه (تدمیر) به معنای هلاکت کردن است و چند ضمیر جمع در آیه به (رہط) بر می گردد. و اینکه فرمود: «عاقبت مکرشان اہلاک خود و قومشان بود»، جهش این است که مکر آنان استدعا و اقتضای مکر الهی را به عنوان مجازات دارد و همین مستوجب هلاکتشان و هلاکت قومشان گردید. (۲)

۳- ۶- ۸- ایجاد اضطراب در بین مردم: سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. (سوره احزاب آیه ۶۲) **نظر علامه:** این عذاب، سنتی است از خدا که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخته، هر وقت قومی به راه فساد انگیزی و ایجاد فتنه افتادند، و خواستند تا بمنظور استفاده های نامشروع، در بین مردم اضطراب افکنده، تا در طغیان و سرکشی بی مانع باشند، ما آنان را به همین طریق گرفتیم. (۳)

۳- ۷- **اقسام سنت الهی:** سنت‌های الهی از نظر کلی تکوینی و تشریحی می باشد که شامل اخروی و دنیوی هستند، سنت‌های دنیوی، برخی فردی و برخی اجتماعی‌اند؛ سنت‌های اجتماعی به دو دسته «عام» (مطلق) و «خاص» (مقید یا مشروط) تقسیم می‌شوند. سنت‌های خاص (مقید و مشروط) که مخصوص اهل حق (مؤمنین) و اهل باطل (کفار) می باشند. در اینجا به دلیل محدودیت صفحه به اختصار فقط نام و تعداد آنها بیان می شود.

۳- ۷- ۱- سنت‌های دنیوی به دو دسته تقسیم می شوند:

۳- ۷- ۱- ۱- سنت های عام (مطلق): سنت هایی هستند که متوقف بر چیزی نیستند و در واقع قوانین اساسی آفرینش و تدبیر انسان هستند لذا ثابت و عمومی هستند و به عبارت دیگر این سنت ها استثناپذیر نیستند و شامل همه انسان ها و دائمی و همیشگی هستند و هیچ سنت دیگری نمی تواند بر آن ها حاکم شود. (۲۵ مورد): ۱- سنت آفرینش به وجه احسن ۲- سنت هدایت تکوینی ۳- سنت هدایت فطری ۴- سنت قدر الهی ۵- سنت عرض امانت ۶- سنت تبشیر و انذار یا سنت ۷- سنت سختی میان مرسل و مرسل الیه ۸- سنت نفی حرج ۹- سنت نفی ظلم از طرف خدا ۱۰- سنت بازتاب اعمال: ۱۱- سنت استعدادها ۱۲- سنت دفاع از حق و سرکوبی باطل ۱۳- سنت غلبه دین حق و باری پیامبران ۱۴- مرگ، سنتی قطعی ۱۵- اجل مسمی، سنتی قطعی ۱۶- سنت عدم تقدیم و تأخیر مرگ در صورت فرا رسیدن اجل ۱۷- سنت اختلاف درجات ۱۸- سنت تنبیه ۱۹- سنت آزمایش و ابتلا ۲۰- سنت تنگی و رنج به منظور ایجاد حالت تضرع برای پذیرش حق ۲۱- سنت تقدیر و اندازه گیری معیشت و روزی انسان‌ها ۲۲- سنت تأثیر زیربنایی انتخاب و اختیار انسان در تغییرات اجتماعی ۲۳- سنت امداد (باری رساندن) به مؤمنین ۲۴- سنت إمهال (مهلت دادن) و عدم تعجیل در عقوبت مؤمنین و کافرین ۲۵- سنت بقای حق و امور مفید برای مردم و فنای باطل و امور غیرمفید.

۳- ۷- ۱- ۲- سنت های خاص (مقید و مشروط): سنت هایی هستند که تحقق آن ها متوقف بر مقدماتی است که فراهم ساختن آن مقدمات در اختیار انسان است این سنت ها قابل تغییر و تبدیل هستند و ممکن است بعضی از آن ها بر بعضی دیگر، در شرایط خاص، مقدم باشند. (۱۸ مورد) سنت های مقید که شامل مؤمنان و کافران می باشد :

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۳- ۷- ۱- ۲- ۱- سنت های مربوط به مؤمنین: (۶ مورد) : ۱- خدا کسانی که دارای زمینه هدایت باشند هدایت می کند یعنی کسی که در خود زمینه هدایت را به وجود بیاورد هدایت می شود: ۲- سنت الهی در هدایت نیکوکاران تلاشگر ۳- خداوند سرپرست مؤمنان و خداترسان است ۴- شیطان بر آن ها که به فرمان خداوند باشند سلطه ای ندارد ۵- خداوند بندگان با خلوص خود را از فحشاء بدور می دارد ۶- زیادت نعمت.

۳- ۷- ۱- ۲- ۲- سنت های مربوط به گمراهان و کفار: (۱۲ مورد) : ۱- سنت اتمام حجت ۲- زیادت ضلالت ۳- تزیین اعمال ۴- سنت املاء و استدرج ۵- سنت امهال ۶- ابتلا به مصائب ۷- تسلط مجرمان و مترفان ۸- سنت ترف و مترفین ۹- عدم لیاقت ظالمین برای رهبری انسان ها از طرف خداوند ۱۰- سنت استیصال ۱۱- سنت انتقام از مجرمین ۱۲- سنت اظلال، مختص اهل باطل (مشروط).  
یاد سپاری: به علت گستردگی بحث و محدود بودن سقف مقاله از آوردن آیه و نظر المیزان صرف نظر کردیم.

۳- ۸- خصوصیات و ویژگی های سنت های الهی: سنت های الهی چند ویژگی دارند که در اینجا چهار مورد آن بیان می گردد:  
۳- ۸- ۱- فراگیر بودن (عمومیت داشتن) سنت های الهی: عام و فراگیر بودن سنت های الهی در قرآن به این صورت آمده است: (سوره نساء آیه ۲۶). **نظر علامه:** خدا می خواهد روشهای کسانی که پیش از شما بودند برای شما بیان کند، و شما را بدان هدایت فرماید، و شما را ببخشد. و خدا دانائی فرزانه است. (۱)

۳- ۸- ۲- تغییرناپذیر بودن (عدم تحویل و تبدیل) سنت های الهی: یک ویژگی مهم سنت های الهی این است که تحول و تبدیل ندارد (سوره فاطر آیه ۴۳) **نظر علامه:** سنت خدا نه تبدیل می پذیرد و نه تحویل، برای اینکه خدای تعالی بر صراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثناء. همچنان که خدای تعالی مشرکین مورد نظر آیه را در جنگ بدر به عذاب خود گرفت، و همگی را کشت. (۲)

۳- ۸- ۳- خدایی بودن سنت ها: هرگاه قرآن خواسته که سنت ها را الهی معرفی کند از کلماتی مانند لِسُنَّتِنَا تَحْوِيْلًا - سُنَّةَ اللَّهِ - لِسُنَّةِ اللَّهِ ... لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيْلًا - سُنَّتِ اللَّهِ - كَلِمَةُ اللَّهِ، استفاده کرده است

۳- ۸- ۴- توجه به آزادی اراده و اختیار انسان در عمل و بدور از جبر بودن سنت های الهی: (سوره کهف آیه ۵۹) **نظر علامه:** این آیات در مقام تهدید کفار است، کفاری که فساد اعمالشان به حدی رسیده که دیگر امید صلاح از ایشان منتفی شده است. و این قسم فساد مقتضی نزول عذاب فوری و بدون مهلت است، لیکن خدای تعالی در عذابشان تعجیل نکرده هر چند که قضای حتمی به عذابشان رانده. اصل عذاب را به اعمال ناروای مردم و به انتقام الهی داده و مساله مهلت در عذاب را به صفت مغفرت و رحمت خدا داده است، اینجا است که مغفرت الهی اثر آن اعمال را که عبارت است از فوریت عذاب برمی دارد - و محو می کند و صفت رحمت حیاتی و دنیایی را به آنها افزوده می فرماید. (۳) اینجا هم به دلیل گستردگی بحث و محدود بودن سقف مقاله به همین مقدار اکتفا می کنیم.

۳- ۹- ابزار آزمایش: یکی از سنت های حتمی الهی آزمایش است که با ابزاری انسان ها را امتحان می کند. به خصوص که در قرآن واژه فتنه را به کار می برد و خود بحث مفصل و مجالی دیگر می خواهد. اما منظور از این بحث از جمله:

۳- ۹- ۱- ترس، گرسنگی، نقص اموال، نقص جان، اولاد: **نظر علامه:** (سوره بقره آیه ۱۵۵) **نظر علامه:** در آیه قبل، مؤمنان را امر و نهی فرمود، اینک در این آیه علت آن امر و آن نهی را آزمایش جنگ با تکیه بر صبر و نماز و طرز فکر صحیح که هیچ قومی دارای این فکر نشدند. خدای تعالی در آیه مورد بحث به عموم شدائدی که ممکن است مسلمانان در راه مبارزه با باطل گرفتارش شوند، اشاره نموده و آن عبارت است از خوف و گرسنگی و نقص اموال و جان ها، و اما کلمه (ثمرات)، ظاهراً مراد به آن اولاد باشد. (۴) **نظر علامه:** **نظر علامه:** (سوره تغابن آیه ۱۵) **نظر علامه:** کلمه (فتنه) به معنای گرفتاریهایی است که جنبه آزمایش دارد، و آزمایش بودن اموال و فرزندان به خاطر این است که این دو نعمت دنیوی از زینت های جذاب زندگی دنیا است. (۵)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- (۱) ترجمه المیزان ج ۸ ص ۱۰۶ . (۲) ترجمه المیزان ج ۳۳ ص ۹۲ . (۳) ترجمه المیزان ج ۲۶ ص ۲۱۲ . (۴) ترجمه المیزان ج ۲ ص ۲۶۰ . (۵) ترجمه المیزان ج ۳۸ ص ۲۶۴ .
- ۳- ۲- ۹- تسلیم در برابر دین و دوری از اختلاف : **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتَّخَلَّوْا الْخَنَةَ ...** (سوره بقره آیه ۲۱۴) **نظر علامه** : دین یک نوع هدایت و نعمتی خدائی ، به سوی سعادتشان در دنیا و آخرت ، است که بر انسانها واجب است در برابر آن تسلیم شوند. و دیگر گامهای شیطان را پیروی نکنند . و در این هدایت اختلاف نیندازند، که اگر چنین کنند غضبی از ناحیه پروردگارشان به ایشان می رسد . این سنت دائمی خدا است که فتنه ها پیش آورد، و احدی از مردم به سعادت دین و قرب رب العالمین نمی رسد مگر با ثبات و تسلیم . (۱)
- ۳- ۹- ۳- رزق بسیار : **وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذْقًا .** (سوره جن آیه ۱۶) **نظر علامه** : معنای آیه این است : به درستی که داستان از این قرار است که اگر جن و انس بر طریقه اسلام یعنی تسلیم خدا بودن استقامت بورزند، ما رزق بسیاری روزیشان می کنیم ، تا در رزقشان امتحانشان کنیم . (۲)
- ۳- ۱۰- **ظلم یکی از مهم ترین عوامل هلاکت می باشد** : برخی از آیات قرآن که در آنها ظلم را عامل نابودی برشمرده شده به شرح زیر است:
- ۳- ۱۰- ۱- تهدید به هلاکت ظالمین به پیامبر: **وَرَبُّكَ الْعَفْرُؤُ ذُو الرَّحْمَةِ ...** (سوره کهف آیه ۵۹ و ۵۸) **نظر علامه** : سنت الهی ما در امم گذشته نیز همین بوده که وقتی ظلم را از حد می گذرانند هلاکشان می کردیم . از همین جا روشن می شود که عذاب و هلاکی که این آیات متضمن آن است عذاب روز قیامت نیست بلکه مقصود عذاب دنیایی است . (۳)
- ۳- ۱۰- ۲- هلاکت اقوام پیشین در اثر ظلم: **وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ ...** (سوره یونس آیه ۱۴ و ۱۳) **نظر علامه** : مطلبی که در این جمله باید گفته شود این است که سنت امتحان و ابتلاء سنتی است عمومی که خواه ناخواه جاری خواهد شد . (۴)
- ۳- ۱۰- ۳- نقل هلاکت ظالمین: در این آیات سخن از مردمی است که عمری را با ظلم به خود کردند، اما ناگهان با نزول عذاب الهی هیچ پناهی برای خود نیافتند: **وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً ...** (سوره انبیاء آیه ۱۲ و ۱۱) **نظر علامه**: چقدر هلاک کردیم از اهل قریه هایی که به خود ستمکار بودند . و از در پشیمانی گفتند: "وای بر ما که مردمی ستمکار بودیم..." (۵)
- ۳- ۱۰- ۴- هلاکت قوم نوح: اشراف قوم نوح به آن حضرت ، ظلم کردند و در نهایت سرنوشت شوم این قوم ظالم مشخص می شود : **وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا ...** (سوره مؤمنون آیه ۴۱- ۳۲) **نظر علامه** : اشراف قوم آن رسول ، آنها که کافر بودند به مردم گفتند: این شخص غیر از بشری مثل شما نیست او هم از آنچه شما می خورید می خورد و از آنچه می آشامید می آشامد . و هر آینه شما مردم اگر بشری مثل خود را اطاعت کنید خیلی (نالایق و) زیان کارید . (۶)
- ۳- ۱۰- ۵- هلاکت قوم ثمود در اثر ظلم: **فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ ...** (سوره نمل آیه ۵۱ و ۵۲) **نظر علامه** : مکر قوم صالح (پیامبر قوم ثمود) این بود که بر قصد کشتن صالح و اهل او اتفاق کنند و سوگند بخورند و اما مکر خدای تعالی این بود که هلاکت همه آنان را تقدیر کند. کلمه (تدمیر) به معنای هلاکت کردن است. و اینکه فرمود: **عاقبت مکرشان اهلک خود و قومشان بود**، جهتش این است که مکر آنان استدعا و اقتضای مکر الهی را به عنوان مجازات دارد و همین مستوجب هلاکتشان و هلاکت قومشان گردید. (۷)
- ۳- ۱۱- **تاویل سنت ها و قوانین از جانب خدا برای انسانها است**: بی تردید، جوامع انسانی، مقهور سنن قاطع و خلل ناپذیر الهی هستند: **وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ .** (سوره اعراف آیه ۳۴) **نظر علامه** : این آیه حقیقتی را بیان می کند مفادش این
- است که : امم و جوامع بشری هم مانند افراد دارای عمری معین و اجلی محدودند. اینکه این نوع از موجودات هم ، روزی بطور کلی منقرض خواهند گردید. (۸) **وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ! .** (سوره یونس آیه ۴۹) **نظر علامه** : در معنای این است که : چه زمانی پروردگار تو به این وعده ای که به تو و تهدیدی که به ما داده وفا می کند؟ چه زمانی است که خدا بین ما و بین

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تو قضاء می راند، و ما را هلاک و تو و ایمان آوردگان به تو را نجات می دهد؟ و جو زندگی را برای تو صاف و هموار می سازد، تا زمین یکسره در اختیار شما قرار بگیرد، و شما از شر ما

- (۱) ترجمه المیزان ج ۳ ص ۳۰۱ . (۲) ترجمه المیزان ج ۳۹ ص ۲۰۳ . (۳) ترجمه المیزان ج ۲۶ ص ۲۱۲ .  
(۴) ترجمه المیزان ج ۱۹ ص ۴۰ . (۵) ترجمه المیزان ج ۲۸ ص ۷۸ . (۶) ترجمه المیزان ج ۲۹ ص ۴۶ .  
(۷) ترجمه المیزان ج ۳۰ ص ۳۰۴ . (۸) ترجمه المیزان ج ۱۵ ص ۱۱۹ .

راحت شوید، و چرا پروردگار تو در این قضای عجله نمی کند؟ چون کلام مشرکین کلامی بوده که جنبه تعجیز و استهزاء داشته . و اما اینکه چرا در پاسخ ، حتمیت وقوع آن را ذکر کرد؟ برای این بود که حتمیت وقوع آن عذاب مصداقی بود از یک حقیقت ، که خود از نوامیس عامه و سنتهای جاری در عالم است ، پس ، این همه اقوام که منقرض شدند، و سر و صدا و آوازه شان به خاموشی گرائید جز در اثر عذاب الهی و هلاکت دسته جمعی منقرض نشدند، و معذب نگشتند مگر بعد از آنکه پیامبرانشان با آیات و معجزاتی روشن پیامد، و هیچ رسولی به سوی آنان گسیل نشد مگر آنکه درباره دین حقی که او آورده بود اختلاف کردند، بعضی ایمان آوردند و جمعی که همیشه اکثر مردم بوده اند دعوت او را تکذیب کردند. این داستانه‌ها، مؤمنین را نیز راهنمایی می کند به اینکه امت معاصر پیامبر اسلام نیز - که درباره دین حقی که آن جناب آورده بود اختلاف کردند - بزودی دچار همان سرنوشتی خواهند شد که آن امته‌ها دچار شدند، و آن این است که بزودی خدای تعالی بین آنان و بین فرستاده خودش قضاوت عملی خواهد کرد، یعنی به همان علتی که آن امته‌ها را عذاب کرد، اینان را نیز عذاب خواهد فرمود، و خدای تعالی در کمین آنان است . در اینجا به عهده دانشمندان است که به یک نکته توجه کنند و آن اینست که هر چند خدای تعالی سخن را درباره خصوص مشرکین آغاز کرد، ولی در بین این سخن ، مجرمین از این امت را نیز تهدید فرمود. پس ، همه آن تهدیدها شامل مجرمین این امت نیز می شود، و چون در میان اهل قبله مجرمین بسیاریند، پس این امت نیز باید منتظر عذاب الهی باشد، عذابی لازم و برقرار که خدای تعالی با آوردن آن بین آنان و پیامبرشان حکم فصل خواهد کرد. و آنچه را که شیطان تلقینشان کرده و به دل‌هایشان افکنده که این امت ، امتی مورد رحمت است و خدا به احترام پیامبر آنان که نبی رحمت است عذاب دنیایی را از آنان برداشته ، و از چنین عذابی آنها را در امان کرده ، هر چند که در همه اقسام گناهان و خطاها غرق شوند، و هر پرده ای از حیا را پاره سازند، باید فراموش کنند و متوجه باشند که هیچ مسلمانی نمی تواند به چنین خرافه ای معتقد باشد و چگونه ممکن است چنین چیزی را به اسلام نسبت داد، با اینکه در منطق اسلام احدی نزد خدا احترامی ندارد مگر به تقوا؟ . (۱) وَ مَا أَهْلَكُنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا وَالْأَوْ كِتَابٍ مُّغْلُومٍ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ . (سوره حجر آیه ۳ و ۴) **نظر علامه** : به طوری که از سیاق بر می آید و معنایش این است که : رهایشان کن که ایشان در این زندگی دنیا اسلام آور نیستند، تنها وقتی خواهان آن می شوند که اجلسان رسیده باشد، و آن هم به اختیار کسی نیست بلکه برای هر امتی کتاب معلومی نزد خداست که در آن اجل هایشان نوشته شده ، و نمی توانند آنرا - حتی یک ساعت - جلو و یا عقب بیندازند. این دو آیه دلالت دارند بر اینکه همانطور که فرد فرد بشر دارای کتاب و اجل و سرنوشتی هستند، امتهای مختلف بشری نیز دارای کتاب هستند. (۲) كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ... و اجل مسمی . (سوره طه آیه ۱۲۹ و ۱۲۸) **نظر علامه** : از ظاهر آیه چنین فهمیده می شود که آیا طریق عبرت گرفتن و ایمان به آیات خدای را کثرت هلاکت ما برایشان بیان نکرد و این همه قرون گذشته که در آبادی های خود آمد و شد می کردند، و اهل مکه در سفرهای خود به مساکن عاد که در احقاف یمن است ، و مساکن ثمود، و اصحاب (ایکه )، که در شام است ، و مساکن قوم لوط که در فلسطین است ، عبور کرده همه را دیده اند، که چگونه هلاک کردیم ، این همه صحنه ها طریق عبرت گیری را برای آنان بیان نمود؟ اگر قضایی از پروردگارت رانده نشده بود و اجلی معین نگشته بود، هلاک ملازم ایشان بود، چون اسراف ورزیدند و به آیات پروردگار خود ایمان نیاوردند . مردم به حکم این قضاء در برابر اسراف و کفرشان در بین و فاصله استقرارشان در زمین و اجل مسمايشان ایمن از عذاب استیصالند . اجل مسمی عبارت است از اجلی که با نامگذاری آن چنان معین شده که به هیچ وجه تخلف نمی کند، و اجل مسمی ، یک علت تام ، برای تاءخیر عذاب است . (۳)

# اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- ۱ - از مجموع آیات در این زمینه، به خوبی استفاده می شود که منظور از "سنت الهی" در این گونه موارد قوانین ثابت و اساسی "تکوینی" یا "تشریحی" الهی است که علاوه بر فراگیر بودن دستخوش دگرگونی و تغییر نمی شود. که هم بر اقوام گذشته حاکم بوده ، و هم بر اقوام امروز و آینده حاکم خواهد بود.
- ۲ - قرآن برای اولین بار بشر را دعوت به مطالعه تاریخ و سنت های الهی و کشف قوانین آن و عبرت آموزی از سرنوشت پیشینیان ترغیب کرده است.

---

(۱) ترجمه المیزان ج ۱۹ ص ۱۲۲ . (۲) ترجمه المیزان ج ۲۳ ص ۱۴۴ . (۳) ترجمه المیزان ج ۲۸ ص ۴۵ .

- ۳ - از نظر قرآن جهان آفرینش که بر اساس نظام احسن شکل گرفته بر سنت های الهی حاکمیت دارد .
  - ۴ - سنت های الهی دارای اقسام و خصوصیات خاصی است که بنا به شرایط خاص اجرا می گردد.
  - ۵ - از منظر قرآن، زیربنای دگرگونی های اجتماعی، انسان ها و تغییرهای درونی آنهاست. به دیگر سخن، تحول، صورت اجتماع روبنا و روح افراد زیربنای تغییرهای اجتماعی می باشند. که موجب اجرای سنت الهی می گردد .
  - ۶ - خداوند به وسیله ابزاری مانند ثروت و فرزند و گرسنگی ، انسان ها و جوامع را مورد آزمایش قرار می دهد .
  - ۷ - یکی از مهم ترین عوامل هلاکت جوامع که حتی دارای تمدن باشند ، ظلم است .
  - ۸ - هر فرد و یا جامعه ای دارای اجلی است ، که تأویل آن در دست خداوند است .
- ۵ - منابع

[۱] قرآن کریم

- [۲] محمد حسین طباطبایی ، بی تا . تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم : دارالعلم . جلد های ۱ تا ۱۰ .
- [۳] محمد حسین طباطبایی ، ۱۳۶۳ . تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران : محمدی . چاپ سوم ، جلد های ۱۱ تا ۳۹

[۴] الراغب الاصفهانی ، ۱۳۹۲ ق. معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت : المكتبة المرتضویه.